

# پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (مطالعه موردی: افغانستان و ایران)

\* محسن خلیلی

\*\* جهانگیر حیدری

\*\*\* هادی صیادی

## چکیده

ژنوم ژئوپلیتیک نقشه جغرافیایی ژنتیک، سیاست برخاسته از جغرافیای هر کشور است که سیاست خارجی آن کشور را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شناخت ژنوم‌های ژئوپلیتیک همسایگان و شناسایی کدهای ژئوپلیتیک موجود در کشورهای همسایه ممکن است در سیاست خارجی هم‌راستا با توان و وزن ژئوپلیتیک ایران نقش مؤثری ایفا کند. نگارندگان با تحلیل کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در جغرافیای سیاسی ایران و افغانستان

---

\* دانشیار علوم سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد، عضو گروه بنیان‌گذار مرکز پژوهش‌های فرهنگی اجتماعی آسیای مرکزی دانشگاه فردوسی مشهد و پژوهشگر میهمان در مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه (khalilim@um.ac.ir).  
\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی مشهد.  
\*\*\* دانش‌آموخته کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل دانشگاه فردوسی مشهد.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۲/۳/۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۴/۳۱

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره نخست، شماره نهم، پاییز ۱۳۹۲، صص ۳۷-۷۳۴۵.

کوشش کرده‌اند تا در قالب مدل تقابل کد و ژنوم‌های ایران و افغانستان، پیامدهای این تقابل و تأثیر آن بر سیاست خارجی دو کشور را تحلیل کنند. **واژگان کلیدی:** ژنوم ژئوپلیتیک، کد ژئوپلیتیک، سیاست خارجی، افغانستان، ایران.

## مقدمه

هر ماده‌ای طیفی از مشخصه‌هاست که همچون اثر انگشت برای آن منحصر به فرد هستند. با توجه به این طیف می‌توان ساختار و ویژگی‌های مواد مجهول را شناسایی کرد. برای مثال، کشورها نیز بر اساس ژنوم‌های ژئوپلیتیک منحصر به فرد خود، شخصیتی سیاسی و طیفی از توان تأثیرگذار در عرصه سیاست خارجی دارند. ژنوم‌های ژئوپلیتیک هر کشور از جانب کشورهای رقیب به عنوان کدهای ژئوپلیتیک تلقی می‌شوند و از تقابل این ژنوم‌ها و کدها، فضایی استراتژیک بر اساس تعامل یا تضاد، بر منطقه جغرافیایی حاکم می‌شود. ژئوپلیتیک به عنوان شاخه‌ای از جغرافیای سیاسی، تأثیرات عوامل ثابت جغرافیایی سرزمین، وسعت، موقعیت، شکل کشور و عوامل متغیر جمعیت، نهادهای سیاسی، قومیت بر سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات سیاسی را مطالعه می‌کند (عزتی، ۱۳۸۰: ۳). نگارندگان با تأکید بر تحلیل کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک موجود در جغرافیای سیاسی ایران و افغانستان کوشش کرده‌اند تأثیر ژنوم‌های ژئوپلیتیک در سیاست خارجی دو کشور را ارزیابی کنند و به این پرسش پاسخ دهند که در عرصه تقابل رفتارهای سیاست خارجی دو کشور همسایه و جغرافیا و ژئوپلیتیک تا چه اندازه تأثیر گذارند؟

### ۱. پیشینه پژوهش

بدیعی/ارندهی و همکاران (۱۳۹۰). عباسی (۱۳۹۰). خجسته‌نیا (۱۳۸۹). مجتهدزاده (۱۳۸۹). بدرام (۱۳۹۰). پاپلی یزدی (۱۳۷۶). برزگر (۱۳۸۸). یزدانی و شجاع (۱۳۸۶). حاتمی‌راد (۱۳۸۵). ملکوتیان (۱۳۸۳). احمدی و پارسایی (۱۳۸۴). افتخاری (۱۳۸۴). کرانی (۱۳۸۱). اخباری و ایازی (۱۳۸۶). بای (۱۳۸۴). پورمهرانی

(۱۳۸۹). عبدی و مختاری (۱۳۸۴). حق‌پناه و رحیمی (۱۳۹۰).

باتوجه به کاربرد بی‌پیشینه دو مفهوم و مقوله نوآورانه نگارندگان، یعنی ژنوم و کد ژئوپلیتیک و مدل برآمده از تعامل دوسویه میان این دو مفهوم و تأثیر آن در سیاست خارجی، تاکنون مقاله‌ای با این سبک و سیاق نوشته نشده است.

## ۲. مبانی نظری

ژنوم ژئوپلیتیک، نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست در هر کشور است که تأثیر بسزایی در شکل‌بخشیدن به رفتارهای نظام سیاسی در نظام بین‌الملل دارد؛ بنابراین همان‌گونه که انسان‌ها، مطابق با نقشه ژنتیک خود عمل می‌کنند، کشورها را نیز کدهای ژنتیک را راهبری می‌کنند (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۱). ژنوم ژئوپلیتیک تحت شرایطی اگر بتواند بین منافع و اهداف ملی کشور یا بازیگر سیاسی با ارزش‌ها و مزیت‌های جغرافیایی کشورها و بازیگران دیگر، وابستگی ژئوپلیتیک ایجاد کند، این وابستگی متقابل جغرافیایی، فلسفه همکاری و تعامل بین‌المللی و توسعه و تکامل سیستم جهانی می‌شود (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۴۶). ژئوپلیتیک دانشی است که به سیاست‌مدار رخصت می‌دهد که از موقعیت‌های جغرافیایی سرزمین و حساسیت‌های استراتژیک دریایی و خشکی و منابع کم‌یاب اقتصادی و انرژی و آبی بهره بگیرند تا سیاست خارجی حکومت یا برتری‌خواهی‌های سیاسی منطقه‌ای و جهانی قدرت را جامعه عمل بپوشاند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۲۹).

کد ژئوپلیتیک عبارت است از دستورکار عملیاتی سیاست خارجی هر کشور که در ماورای مرزهای خود، مکان‌های جغرافیایی را ارزیابی می‌کند. کد ژئوپلیتیک به‌نوعی نتیجه استدلال ژئوپلیتیک عملیاتی است که شامل مجموعه‌ای از پیش‌فرض‌های سیاسی جغرافیایی مربوط به زیرساخت سیاست خارجی کشور است. کدهای ژئوپلیتیک هر کشور اختصاصی آن است و کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به منافع و اهداف خود، بر کدهای ژئوپلیتیک دیگران تأثیر گذاشته و آن را هدف قرار دهند (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۱۴۴). درواقع، ژنوم ژئوپلیتیک یا نقشه ژنوم هر کشوری به عنوان کدهایی ژئوپلیتیک از جانب کشورهای رقیب و همسایه قلمداد شده است و برنامه‌های تصویری سیاست خارجی کشور را درمقایسه با کشور

هدف، راهبری می‌کند. به عبارت دیگر، هر کشور بر اساس نقشهٔ ژنوم خود، سیاست خارجی را سازماندهی می‌کند و کشور رقیب هم با توجه به کدهای ژئوپلیتیک موجود برای خنثی‌سازی سیاست‌های خارجی تلاش می‌کند.

### ۳. ژنوم‌های جغرافیایی مؤثر بر سیاست خارجی افغانستان

شناخت کدها و ژنوم‌های ژئوپلیتیک کشورهای همسایه از موضوعات مهم در جغرافیای سیاسی است. افغانستان به عنوان یکی از همسایگان شرقی ایران که ۹۴۵ کیلومتر مرز آبی و خشکی با ایران دارد، از لحاظ طبیعی بخشی از فلات ایران و از لحاظ تاریخی و فرهنگی اشتراکات زیادی با کشور ایران دارد (لطفی، ۱۳۹۰: ۱۰۶). این کشور با ۵۷ منبع تنش و مشاجرهٔ پایه‌ای با همسایگانش تقریباً درقبال هر همسایه، ۱۰ منبع مشاجرهٔ فعال یا پنهان دارد (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۳۷). می‌توان افغانستان را رکورددار منابع پنهان و آشکار مشاجره با همسایگان معرفی کرد.

#### ۳-۱. بی‌ثباتی سیاسی موجود در افغانستان

دولت ضعیفی که «ظرفیت‌های محدودی برای نفوذ در جامعه، سامان‌دهی به مناسبات اجتماعی، کسب منابع و تقسیم یا استفاده از منابع به شکل مدنظر خود» (دهشیار، ۱۳۹۰: ۱۶۳) دارد، با بی‌ثباتی سیاسی مواجه می‌شود. از متغیرهای تأثیرگذار بر ارتقای وزن ژئوپلیتیک هر کشور، میزان ثبات یا بی‌ثباتی سیاسی و همچنین، میزان اقتدار حکومت در محدودهٔ مرزهای سرزمینی آن است. افغانستان کشوری است که حداقل در طول سه‌دههٔ گذشته، به بی‌ثباتی سیاسی و بحران‌های متوالی دچار است. مردم این کشور هیچ‌گاه نتوانستند با وجود سیاست متفاوت، حتی در مقطع زمانی کوتاه، آرامش را تجربه کنند. این سیاست‌ها عبارت است از: حاکمیت کودتاگران طرف‌دار شوروی، ورود اشغالگران روس، تلاش انقلابیون برای تشکیل حکومت، تشکیل امارت طالبان، ورود اشغالگران امریکایی. در واقع، در این کشور، بی‌ثباتی نهادینه شده است. اوضاع امنیتی کنونی افغانستان نیز بسیار پیچیده و بغرنج است و چشم‌انداز برون‌رفت از وضعیت پیچیدهٔ کنونی بسیار مبهم است (موسوی، ۱۳۸۸: ۹۴). ثبات، موضوعی داخلی محسوب می‌شود و از طریق سازش سیاسی بین نیروهای مؤثر سیاسی (مهندسی سیاسی) به دست می‌آید که در این

راستا، باید به واقعیت‌های اجتماعی تاریخی افغانستان توجه شود که نیروهای سیاسی را به وجود می‌آورند (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۱۰). در طول ۱۳۰ سال گذشته، افغانستان دست‌کم شش بار کانون انتشار امواج بحران‌زای دولت‌های هم‌جوار، به‌ویژه ایران و پاکستان بوده است (زرقانی، ۱۳۸۶: ۱۹۶).

### ۲-۳. ماهیت تحمیلی مرزهای افغانستان

خطوط مرزی که بدون توجه به سیمای فرهنگی ناحیه و تنها، بر اثر سیاست بین‌المللی به وجود آمده‌اند، مرزهای تحمیلی نام‌دند (اخباری، ۱۳۸۸: ۹). ماهیت تحمیلی مرزهای افغانستان در جنوب، باعث منازعات مرزی و تنش‌های سیاسی متعددی بین پاکستان و افغانستان شده است. این امر فرصت لازم برای حضور قدرت‌های خارجی، از جمله شوروی را فراهم کرد و در نهایت، به اشغال افغانستان به‌وسیله شوروی منجر شد. مناطقی از بلوچستان، پاکستان، ایالت سرحد و منطقه قبایل آزاد پاکستان در سال ۱۸۷۹، به دنبال تحمیل قرارداد گندمک به‌وسیله انگلیس به افغانستان، از خاک این کشور جدا شده و به هند و بریتانیا ملحق شدند. این مناطق، در نوامبر ۱۸۹۳، در معاهده‌ای که بین عبدالرحمن خان حاکم وقت افغانستان و نماینده ویژه انگلیس، سر هنری مورتیمر دیوراندا امضا شد، به‌طور کامل از افغانستان منتزع شد و به سرزمین‌های «آن سوی خط دیوراندا» مشهور شد. استقلال افغانستان در سال ۱۹۱۹ و تجزیه شبه‌قاره هند در سال ۱۹۴۷ و استقلال پاکستان و جانشینی پاکستان در این بخش از سرزمین‌های هند، نتوانست اختلاف موجود بین افغانی‌ها و انگلیسی‌ها و پاکستانی‌های جانشین آنان را حل و فصل کند؛ به‌گونه‌ای که هنوز بیشتر افغانی‌ها آن مناطق را ادامه سرزمین افغانستان قلمداد می‌کنند (موسوی، ۱۳۸۸: ۹۶). ترسیم خط دیوراندا در سال ۱۸۹۳، به عنوان مرز بین هند و افغانستان، سرآغاز ایجاد مشاجره و کشمکشی طولانی شد؛ زیرا این خط پشتون‌های دوروبر مرز را از هم جدا می‌کرد (گودهند، ۱۳۸۴: ۱۰۷).

انگلیس در رقابت با فرانسه و روسیه با داشتن شیوه‌های حکومت ملوک‌الطوایفی و برپاداشتن شورش‌های مبتنی بر دسیسه و نیرنگ، کوشید تا وضعی را پیش آورد تا بخش‌های شرقی ایران زیر سلطه مستقیم استعمار انگلستان درآید و

بخش‌هایی هم به صورت کشوری عمل کند که بتواند نقش سپری در برابر چشم‌داشت‌های جغرافیایی احتمالی روسیه به هندوستان بازی کند (اخباری، ۱۳۸۸: ۱۷۵). مرز جمهوری اسلامی ایران و افغانستان نیز از کوه ملک‌سیاه در نقطه مرزی مشترک ایران و افغانستان و پاکستان شروع می‌شود و تا دهانه ذوالفقار نقطه مرزی مشترک ایران و افغانستان و ترکمنستان امتداد می‌یابد (بای، ۱۳۸۴: ۱۰۵). اندیشه تفکیک دو کشور ایران و افغانستان به اواسط قرن هجدهم برمی‌گردد؛ ولی استقلال رسمی افغانستان از ایران به دنبال معاهده پاریس به سال ۱۸۵۷ برمی‌گردد. به دنبال استقلال افغانستان از ایران، مسئله تعیین خط مرز در روابط دو کشور نیز مطرح شد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳: ۷۱). همچنین بین ایران و افغانستان، اختلاف ارضی کوچکی در منطقه اسلام‌قلعه و دوغارون وجود دارد که هنوز بدون حل باقی مانده و مذاکرات سال ۱۹۷۵ نیز نتوانسته است آن را برطرف کند (فولر، ۱۳۷۳: ۲۵۸).

### ۳-۳. موقعیت نسبی (نقش حائلی افغانستان)

کشورهای ضعیف را حائل می‌نامند که اغلب، به‌منظور جلوگیری از کشمکش بین دو کشور قوی به وجود آمده‌اند. افغانستان نیز کشور حائلی است که میان روسیه و هند بریتانیا قرار داشت (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۲۱). از نیمه دوم سده هجدهم که اقتدار بریتانیا شروع به تحکیم نفوذ خود در بخش‌های وسیعی از جنوب و مرکز آسیا می‌کند، دیگر قدرت‌های اروپایی، بیشتر فرانسه و روسیه، حوزه آمال ژئوپلیتیک خود را به سوی خاور گستراندند و رقابت با بریتانیا را در سراسر آسیا ادامه دادند. در این دوره، قدرت ایران در پی قتل نادرشاه به‌زوال افتاد؛ درحالی‌که قدرت نفوذ هند بریتانیا درحال‌افزایش بود. هند بریتانیا برای رویارویی با نفوذ قدرت‌های رقیب به ایجاد حائل میان خود و ایران و روسیه اقدام کرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۲۳۱). در نیمه دوم قرن ۱۸، افغانستان به صورت اتحادیه قبیله‌ای بین قدرت‌های امپراتوری ایران، شبه‌قاره هندوستان و آسیای مرکزی به وجود آمد. در اواسط قرن ۱۸، با افزایش قلمرو نفوذ امپراتوری تزاری در شمال و دولت پادشاهی انگلیس در هندوستان، این دو ابرقدرت افغانستان را به عنوان منطقه‌ای حائل میان خود مشخص کردند (گودهند، ۱۳۸۴: ۱۰۷).

افغانستان به دلیل موقعیت مکانی‌اش، یعنی قرارگرفتن بین اروپا و جنوب آسیا، از مدت‌ها قبل صحنه رقابت قدرت‌های خارجی بوده است (احمدیان، ۱۳۸۸: ۱۹۱). در دوران جنگ سرد، اضافه‌شدن سیاست‌های منطقه‌ای شوروی و هند به مسائل قومی افغانستان، بحران پیچیده‌تری را به وجود آورد. شوروی تصمیم داشت از پیوستن به پیمان‌های نظامی با غرب جلوگیری کند و پاکستان را از طریق افغانستان تحت فشار قرار دهد؛ همچنین، حضور در افغانستان و حمایت از پشتونستان و بلوچستان راهم‌ترین راهی بسیار مهم برای رسیدن به کناره‌های اقیانوس هند می‌دید. هند نیز که در منطقه کشمیر با پاکستان درگیر بود، موضوع پشتونستان و بلوچستان را به عنوان اهرم فشاری بر پاکستان بهره‌برداری کرد؛ درحالی‌که پاکستان با بهره‌گیری از اعتقادات دینی و ظرفیت‌های قومی پشتون‌ها، از آنها به عنوان پشتوانه استراتژیک گروه‌های مبارز کشمیری استفاده می‌کرد. پاکستان، افغانستان را عمق استراتژیک خود دانسته و منافع مستقیم و حیاتی در افغانستان برای خود متصور است. (موسوی، ۱۳۸۸: ۱۰۰). درباره اشغال افغانستان توسط شوروی، دولت‌های ایران، پاکستان، هند، چین، عربستان و آمریکا بنابر انگیزه‌های گوناگون، اعم از ایدئولوژیک، ژئوپلیتیک، امنیتی و غیره، منافع خاصی در این منطقه دارند و بدون آنکه اتحاد رسمی بین آنها وجود داشته باشد، نوعی اتحاد طبیعی میان دولت‌های ذی‌نفع مشاهده می‌شد (قوام، ۱۳۸۷: ۱۸۲). از دلایل دیگر اهمیت استراتژیک خاص کشور افغانستان و موقعیت جغرافیایی این کشور، به عنوان هارتلندی است که میان چین و هند و اقیانوس هند و آسیای مرکزی و ایران و حوزه نفتی و استراتژیک خلیج فارس واقع شده است. در ضمن، از طریق حضور آمریکا در کشور افغانستان، امریکایی‌ها می‌توانند روس‌ها را زیر نظر داشته و همچنان، دشمن بالقوه‌ای به‌شمار آورند. دستیابی به حوزه نفتی دریای خزر هم می‌تواند از انگیزه‌های پنهان ایالات متحده و هم‌پیمانان وی برای حضور در افغانستان باشد.

#### ۳-۴. تنوع قومی و زبانی

مرگ بنیان‌گذار افغانستان مدرن، پس از ۲۵ سال حکمرانی مقتدرانه که حیات‌بخش



امپراتوری درانی شد، خطوط گسل، شامل تمایزات قومی، قبیله‌ای، نژادی، زبانی، مذهبی و جغرافیایی، افغانستان را به صحنه آورد که به دلیل ماهیت سیاست‌های داخلی و پیروزی‌های خارجی به حاشیه رانده شده بودند. به گونه‌ای که تمام رهبران افغان از دوست محمدخان تا حامد کرزای، در ایجاد یکپارچگی در کشور با مقاومت وسیع و گسترده قومیت‌ها و قبایل روبه‌رو شدند (دهشیار، ۱۳۹۰: ۱۵۰)؛ زیرا کشور افغانستان عمدتاً خاستگاه و سکونتگاه چند قوم متفاوت است:

هزاره‌ها که بیشتر در باختر مسیر قندهار به کابل قرار دارند و کلاً منشأ مغولی دارند (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۴۷). حدود یک‌پنجم جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند و مذهبشان شیعه است. هزاره‌ها در مناطق مرکزی افغانستان و در دامان کوه‌ها و ارتفاعات مرکزی هندوکش به سر می‌برند، جایی که هزاره‌جات نامیده می‌شود (احمدیان، ۱۳۸۸: ۱۹۲). امروزه، هزاره‌ها بیش از ۲۰ درصد جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهند؛ یعنی از ۳۵ تا بیش از ۴ میلیون نفر. هزاره‌ها از نژاد زرد هستند که در سه ولایت مرکزی افغانستان پراکنده‌اند، شامل بامیان، ارزگان، نمرور و همچنین بخش‌هایی از ولایات هرات، فراه، قندهار، غزنی، پروان، بغلان، ملخ و بادغیس را دربرمی‌گیرند. قتل عام گسترده هزاره‌های شیعه توسط عبدالرحمن در افغانستان مشهور است. هزاره‌ها همواره از اقوام تحت سلطه پشتون بوده‌اند (بشیری، ۱۳۹۰: ۲۸۸).

تاجیک‌ها و ازبک‌ها که بیشترین جمعیت یک‌جانشین کشور را تشکیل می‌دهند، به کشاورزی اشتغال دارند و به زبان فارسی سخن می‌گویند. از بازماندگان قومی کهن‌اند که از آسیای مرکزی به ایران آمدند: مردمی یکدست و یگانه که به احتمال زیاد منشأ ایرانی یا قوم آریایی دارند و زرتشت در میان آنان به نشر آیین خود پرداخت و یونانیان همراه اسکندر در آنجا سکنی گزیدند (مجتهدزاده، ۱۳۸۹: ۲۳۳). قرابت نژادی و پیوند تاریخی این قوم با ایران باعث شده است که به عنوان کدهای ژئوپلیتیک ایران به حساب آمده و بنا به دلایلی حمایت ایران از این گروه قومی بیشتر بوده است. منشأ حمایت ایران از گروه‌های تاجیک رقابت با پاکستان است. در نیم‌قرن اخیر، ایران و پاکستان رقابتی حساس برای تأثیرگذاری بر تصمیمات استراتژیک کابل داشته‌اند. تمرکز و هم‌جواری جغرافیایی پشتون‌ها در

حاشیه مرز پاکستان از طرفی و تمایل و گرایش‌های مذهبی این قبیله به سوی شبه‌قاره از طرف دیگر، باعث شده که ایران تاجیک‌های سنی و هزاره‌های شیعه را مخاطب سیاست خود قرار دهد؛ زیرا پراکنش مرکزی و شمالی و به‌ویژه غربی گروه‌های تاجیک در افغانستان و تعاملات مستمر و دیرینه آنان با خراسان، اوضاع پایدارتری را برای تحکیم روابط ایران و این گروه‌های قومی و مذهبی فراهم آورده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۴۷). بخشی از فعالیت‌های حمایتی طالبان برای ثبات‌زدایی در شرق کشور، در واقع اقدام‌های واکنشی در قبال حمایت ایران از جبهه متحد اسلامی ربانی و گروه‌های تاجیک دره پنج‌شیر به رهبری احمدشاه مسعود تلقی می‌شود (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۵۸). قوم تاجیک حدود یک‌چهارم از جمعیت افغانستان را تشکیل می‌دهد (احمدیان، ۱۳۸۸: ۱۹۲).

افغان‌ها (پشتون‌ها) منشأ چادرنشینی دارند و خود را دلاور می‌دانند. واژه افغان به طایفه و نیز چوپانان چادرنشین در میان آنان به طور جمعی اطلاق می‌شود (مجته‌زاده، ۱۳۸۹: ۲۳۳). قوم پشتون پرشمارترین گروه در افغانستان هستند؛ به طوری که تشکیل‌دهنده یک‌سوم تا نیمی از جمعیت افغانستان هستند (احمدیان، ۱۳۸۸: ۱۹۲). با کشته‌شدن نادرشاه، از بین رفتن کنترل همسایه غربی باعث آزادسازی نیروهای داخلی شد و پشتوها به عنوان پرجمعیت‌ترین و در نتیجه مطرح‌ترین گروه قومی، فرصت را برای ایجاد کشوری مستقل و ایفای نقش در کسوت یک بازیگر مطرح بومی مناسب یافتند (دهشیار، ۱۳۹۰: ۱۴۶). مهم‌ترین قبیله سیاسی افغانستان، یعنی درانی‌ها که همواره قدرت سیاسی را در دست داشته‌اند از شاخه‌های این قوم‌اند (بشیریه، ۱۳۹۰: ۲۸۷). جغرافیای پراکندگی پشتون‌ها در افغانستان که گستره فرامرزی آنها در پاکستان نیز وجود دارد، معروف به پشتونستان است. پشتونستان برای ناسیونالیست‌های پشتون در پاکستان و افغانستان معانی متفاوتی دارد و از کشوری مستقل تا ایالتی خودمختار در ترکیب پاکستان یا افغانستان بنابه مصالح و منافع خود از این دیدگاه‌های متفاوت بهره‌برداری می‌شود (موسوی، ۱۳۸۸: ۹۹). به‌علت این که سرزمین قوم پشتو در مرز افغانستان واقع است، پشتوها سودآورترین راه قاچاق به بلوچستان را کنترل می‌کنند. همچنین، مغازه‌هایی را هم که اجناس قاچاق می‌فروشند، اداره کرده و نیز نصف اتوبوس‌هایی را کنترل می‌کنند که به

شهرهای بزرگ پاکستان جنس حمل می‌کنند. در این زمینه، بلوچ‌ها خود را در مقابل پشتوها نسبتاً ضعیف می‌یابند (گودهند، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

بلوچ‌ها در گوشه جنوب غربی افغانستان، شامل هلمند و حوالی گودزره و ساحل شرقی هامون صابری اقوام و قبایل گوناگون بلوچ، بیشتر جمعیت را در اختیار دارند. هر گونه تحریک بلوچ‌ها با توجه به محل استقرارشان در جوار مرز سه کشور، پیامدهای مصیبت‌باری برای وحدت ملی و امنیت داخلی ایران و پاکستان در برداشته باشد. این درحالی است که قدرت مانور افغانستان در تحریک بلوچ‌ها با وجود استقرار اقلیت بلوچ در گوشه جنوب غربی سرزمین این دولت، بیش از دو کشور هم‌جوار است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۴۵). اکثریت قریب به اتفاق بلوچ‌ها تا اواخر سده نوزدهم در داخل مرزهای سرزمین ایران می‌زیستند؛ ولی با تشدید رقابت بین انگلستان و روسیه بر سر افزایش دامنه قدرت و نفوذ خود در خاورمیانه و ایجاد اختلاف و برخوردهای قومی و تغییر مرزها، محل سکونتشان بین کشورهای ایران، هند (بعد از پاکستان) و افغانستان تقسیم شد (معیدفر، ۱۳۸۶: ۱۹۳). تا امروز مداخله خارجی میان بلوچ‌ها اساساً از رویدادهای پاکستان و افغانستان و نیز ماهیت روابط میان ایران و کشورهای عربی منطقه خلیج فارس و پیرامون آن سرچشمه می‌گیرد. نمونه‌ای از تأثیر درگیری‌های منطقه‌ای در طرح مسئله قومیت را در بلوچستان ایران می‌توان در روابط ایران و عراق، پس از روی کار آمدن حزب بعث، در سال ۱۹۶۸ جست‌وجو کرد (کاویانی‌راد، ۱۳۸۹: ۲۳۷).

### ۵-۳. هیدروپلیتیک هیرمند و دیپلماسی آب

از سال ۱۸۵۷ که به موجب قرارداد پاریس، ایران افغانستان را به رسمیت شناخت، بر سر آب هیرمند بین دو کشور اختلاف نظر وجود داشته است (پاپلی‌یزدی، ۱۳۹۰: ۱۰۱)؛ اما دست‌کم از سال ۱۸۷۲، از منابع پایدار مشاجره بین ایران و افغانستان، مسئله حق‌آبه هیرمند بوده است. این مشکل ۱۲ بار تاکنون باعث بروز بحران‌های دیپلماتیک بین دو کشور شده و ۲۷ بار مذاکره دوجانبه و مستقیم یا با قبول حکمیت برای حل و فصل آن صورت گرفته است. نقش هیرمند برای سیستم، همانند نقش نیل برای مصر است و سیستم بدون هیرمند قادر به ادامه حیات

نیست. با وجود نیاز حیاتی سیستان به هیرمند، در طول ۱۳۰ سال اخیر، نوسانات واردات آب این رود از افغانستان، به‌ویژه در فصل کشت، منبع اصلی بروز بحران‌های اجتماعی در این منطقه بوده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۳۹). امروزه، هیرمند به ابزار دیپلماتیک دولت‌های افغانستان مبدل شده است. در واقع، هیرمند گروگان دائمی افغان‌ها برای سودجویی از آن در مناسبات سیاسی و اقتصادی و نظامی با ایران بوده است (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۴۲). پاپلی یزدی معتقد است تنها توسعه پایدار، مشارکت منطقه‌ای و بهره‌برداری متناسب و منطقی از حوضه هیرمند در خاک افغانستان و ایران است که موجب برون‌رفت از بن‌بست فعلی است. مذاکره برای به‌دست آوردن حق‌آبه، به‌تنهایی به همان نتیجه‌ای می‌رسد که بعد از ۱۰۰ سال رسیده‌ایم (پاپلی یزدی، ۱۳۹۰: ۱۰۹).

### ۳-۶. ژنوم محصوربودن در خشکی

کشورهای محصور در خشکی قاره‌های آفریقا و آسیا، به‌وسیله سرزمین‌های وسیع و ناهموار، از دسترسی به دریا دور افتاده‌اند و همین عوارض طبیعی در ایجاد تأسیسات زیربنایی مشکلاتی به وجود آورده است (میرحیدر، ۱۳۸۴: ۱۱۱). افغانستان نیز کشوری محصور در خشکی است که تا هشتم نوامبر سال ۲۰۰۰، بین ۲۰۰ دولت ملت جهان، فقیرترین و کم‌توسعه‌یافته‌ترین کشور شناخته شده است. بخش عمده‌ای از تنگناهای توسعه‌ای افغانستان، ناشی از محصوربودن این کشور در خشکی و دسترسی نداشتن به دریا بوده است؛ اما تلاش دولت‌های افغان برای دستیابی به منابع دریایی از جمله حقوق کشتی‌رانی و دراختیارداشتن بندر در ساحل دریای عمان، از پایان قرن ۱۹ تاکنون، به جایی نرسیده است. صدور بدون واسطه مواد خام به بازارهای بین‌المللی برای خروج از بازارهای منحصربه‌فرد کشورهای پیرامونی و تأمین ورود بدون واسطه یا رایگان اقلام استراتژیک از خاک دو کشور پاکستان و ایران، در شمار اولویت‌های سیاست خارجی افغانستان در قرن بیستم بوده است. در مجموع، محاط‌بودن افغانستان در خشکی و مسائل ناشی از آن، از جمله تلاش‌های این کشور برای رهایی از این بن‌بست جغرافیایی و عنصری پایدار در روابط این کشور با ایران و پاکستان محسوب می‌شود (کریمی‌پور، ۱۳۷۹: ۱۴۳).

تجارت خارجی افغانستان در طول تاریخ، از راه‌های ترانزیتی دره خیبیر و بندر کراچی صورت گرفت که راهی باستانی برای آن کشور محسوب می‌شد. پس از تجزیه هند و پاکستان، در اوت ۱۹۴۷ و بروز اختلاف مرزی دو کشور بر سر پشتونستان، همیشه این راه ترانزیتی به عنوان سلاحی علیه افغانستان به کار می‌رود (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

### ۷-۳. ژئوپلیتیک مواد مخدر

هر گونه پژوهشی درباره افغانستان، بدون توجه به اقتصاد تریاک یا «اقتصاد سیاه» ناقص است و هر تلاشی برای تبدیل «اقتصاد جنگ» به «اقتصاد صلح» باید با دیدن نقشی همراه باشد که تریاک در اقتصاد سیاسی افغانستان ایفا می‌کند. جنگ وضعیتی را ایجاد می‌کند که در آن تولید تریاک افزایش می‌یابد؛ اما از طرف دیگر، تریاک خود باعث می‌شود که جنگ اقتصادی دامنه پیدا کند و این امر انگیزه برگشت حکومت به وضع عادی را کم‌رنگ می‌کند (گودهند، ۱۳۸۴: ۱۰۶). عوامل و زمینه‌های تولید مواد مخدر در افغانستان، عبارتند از: الف) بی‌ثباتی سیاسی و فقدان حاکمیت فراگیر و مقتدر؛ با بررسی مجدد فرایند ظهور دولت‌ها در قرن گذشته، دیده می‌شود که هرگاه قدرت مرکزی تاحدی از هم پاشیده می‌شد، گروه‌های سیاسی نظامی محلی به وجود می‌آمدند که از طرف قدرت‌های همسایه حمایت می‌شدند. از لحاظ اقتصادی نیز دیده می‌شود که اقتصاد جنگ بیشتر بر پایه قاچاق مرزی و شیوع سریع مواد مخدر شکل گرفته است. بین سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ افغانستان سالانه ۲۲۰۰ تا ۲۴۰۰ تن تریاک تولید می‌کرد که از این لحاظ با برمه بزرگترین تهیه‌کننده تریاک خام دنیا رقابت می‌کرد (گودهند، ۱۳۸۴: ۱۰۹). ب) جهانی شدن تجارت مواد مخدر و سودهای کلان تولید و قاچاق مواد مخدر. ج) فعالیت مافیای جهانی مواد مخدر در افغانستان. د) کاهش تولید مواد مخدر در دیگر مناطق جهان و افزایش شدید قیمت مواد مخدر. در اواخر سال‌های دهه ۱۹۷۰، در بیش از نیمی از ۲۸ ایالت افغانستان خشخاش کاشته شده است که ۲۵۰ تن تریاک برای صادر کردن تهیه می‌شود. در سال ۱۹۸۹، هفت گروه اصلی مجاهدان، مسئول تهیه بیش از ۸۰۰ تن تریاک بودند. تا سال ۲۰۰۰، دره هلمند ۳۹ درصد هروئین دنیا را تأمین می‌کرد (گودهند، ۱۳۸۴:

۱۰۸). می‌توان سطح‌بندی از عوامل مؤثر بر قاچاق و تولید مواد مخدر ارائه کرد: الف) بازیگر سطح یک، مافیای بین‌المللی مواد مخدر؛ ب) بازیگر سطح دو، قاچاقچیان منطقه‌ای و محلی؛ ج) بازیگر سطح سه، کشاورزان بومی افغانی. در حالی که در افغانستان تجارت تریاک کار پرسودی محسوب می‌شود، بر اساس برآورد انجام‌شده، ۱ درصد سود به کشاورزان می‌رسد و ۲/۵ درصد در کشورهای که راه عبور مواد هستند مصرف می‌شود و بقیه منابع به جیب دلال‌ها در اروپا و ایالات متحده می‌ریزد. بین معامله‌گرانی که در مرز، مواد می‌فروشند، هم‌بستگی مستقیمی وجود ندارد، برخی از آنها تا خلیج فارس نیز پیش می‌روند؛ اما هیچ‌یک در بازارهای پرسود خرده‌فروشی غربی دخالت ندارند (گودهند، ۱۳۸۴: ۱۰۸). موقعیت ایران، نه تنها در منطقه جنوب غرب آسیا، بلکه در جهان، به لحاظ قرارگرفتن در مجاورت بزرگترین کانون تولید مواد افیونی در جهان، آسیب‌پذیرترین وضعیت را میان کشورهای جهان دارد. نزدیک به ۸۰ درصد مواد افیونی جهان که به صورت غیرقانونی مصرف می‌شود در افغانستان تولید می‌شود و دست‌کم ۵۰ درصد آن به قصد ترانزیت یا مصرف، وارد کشور ما می‌شود (محمدی، ۱۳۸۵: ۹۴).

### ۱-۳. مهاجران و پناهندگان افغانی

مهاجرت شکلی از تحرک جغرافیایی یا مکانی جمعیت است که بین دو واحد جغرافیایی انجام می‌گیرد. بیش از سه دهه است که ایران و پاکستان، پذیرای مهاجران افغانی هستند. مهاجرت این گروه نوعی مهاجرت اضطراری یا اجباری ناسالم توأم با تخریب است. حرکت‌های مهاجرتی افغان‌ها در طول سه دوره اتفاق افتاده است: حمله شوروی سابق به افغانستان در سال ۱۹۷۹ و جنگ‌های داخلی و روی کارآمدن رژیم طالبان. در هر دوره، شمار زیادی از مردم این کشور به سرزمین‌های مجاور و همسایه از جمله ایران پناهنده شدند. پژوهشگران معتقدند این نوع حرکت‌های مکانی نوعی مهاجرت بین‌المللی است. از مسائلی که درباره این گروه از مهاجران مطرح می‌شود، بحث سازگاری یا نبود انطباق با جامعه ایرانی است. از لحاظ اقتصادی و به دلیل کم‌بودن مهارت‌های تحصیلی و شغلی این مهاجران، آنچنان که باید نتوانسته‌اند ارتقای چندانی در سازگاری با فرهنگ و جامعه

ایرانی داشته باشند (لهسایی زاده و دیگران، ۱۳۸۹: ۳). به نظر می‌رسد مشکلات ناشی از وجود این مهاجران قانونی و غیرقانونی مباحثی، مانند نگرش کشور میزبان به آنها و بحث بازپس فرستادن آنها، باعث شکل‌گیری منشأ اضطراب سیاسی در روابط افغانستان با دیگر همسایگانش باشد. تحقیقاتی که توسط سازمان ملل انجام شده است، نشان می‌دهد از زمانی که دولت ایران خط‌مشی درهای باز را به سمت رویکرد اعمال محدودیت‌های شدید درباره مهاجران افغانی به‌کار برده است. این سیاست‌گذاری‌ها چندان موفقیت‌آمیز نبوده‌اند، بلکه تنها باعث گسترش شبکه‌های قاچاق انسان و افزایش ناامنی‌ها و تنش‌هایی در مرزهای بین دو کشور بوده است.

#### ۴. ژنوم‌های جغرافیایی مؤثر بر سیاست خارجی ایران

از جمله شاخص‌های مهم در فرآیند سیاست‌گذاری ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی، دارابودن عوامل طبیعی، داشتن تنوع در مرزها، دسترسی یا نداشتن دسترسی به آب‌های آزاد، تعداد همسایگان و داشتن جایگاه کشوری در مجموعه نظام بین‌الملل است که از آن به ژئوپلیتیک تعبیر می‌شود (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۱). واحدهای سیاسی با توجه به وزن ژئوپلیتیک و مقدرات ژنوم جغرافیایی در تعاملات مثبت یا منفی با همدیگر از دیگر واحدهای سیاسی به‌ویژه قدرت‌های جهانی متأثرند. کشور ایران به عنوان قدرت منطقه‌ای دارای ژنوم‌های ژئوپلیتیک با بار مثبت و منفی است. در اختیار داشتن تنگه هرمز و داشتن موقعیت گذرگاهی، ایران را مسلط به گلوگاه انرژی جهان کرده است: «تنگه هرمز ممکن است ما را در جنگی زود هنگام گرفتار کند. در صورت وقوع، عوامل مختلف، نظیر جغرافیا، انرژی، اقتصاد و امنیت در هم می‌آمیزد و موقعیت حساسی را به وجود می‌آورند» (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۲). از ویژگی‌های منحصر به فرد ایران، دارابودن مرز و سواحل طولانی در خلیج فارس و دریای عمان است که ایران را به آب‌های آزاد متصل می‌کند. داشتن چنین ویژگی مهمی، ایران را نسبت به دیگر کشورهای همسایه و حتی منطقه جنوب غربی آسیا متمایز کرده است (گل‌وردی، ۱۳۸۹: ۱۱). موقعیت خلیج فارس و دریای عمان در جنوب بهترین و مطمئن‌ترین موقعیت سیاسی را برای مرزهای جنوبی فراهم کرده است (اخباری، ۱۳۸۸: ۱۷۹).

#### ۴-۱. تکثر قومی و تنوع زبانی

هر گروه قومی از آن‌رو با دیگر گروه‌های قومی مرزبندی دارد که هویتی متفاوت، خواه واقعی یا تصویری، برای خود قائل بوده و کمابیش بر اساس همین تمایز هویتی رفتار می‌کند. این مفروضه، گزاره‌ای مناقشه‌انگیز نیست. نکته مهم مناقشه‌انگیز نحوه تأثیرگذاری این متغیر هویت‌بخش بر سیاست خارجی است (حق پناه، ۱۳۹۰: ۸۴). بیشتر حرکت‌های تجزیه‌طلبانه در محدوده سرزمینی کشورها محصور است؛ اما وقتی که حکومت‌ها نتوانند به تقاضاها پاسخ مناسب دهند یا نتوانند به طریق مناسب به سرکوب یا مهار تجزیه‌طلبان اقدام کنند، گرایش به کسب حمایت خارجی تقویت می‌شود، به‌ویژه از سوی کشورهای همسایه و گروه‌هایی که با آنها وابستگی قومی، نژادی یا مشترکات فرهنگی دارند. اتحاد بین گروه‌های محلی و ناحیه‌ای ناراضی و بازیگران خارجی موجب درهم‌بافته شدن تهدیدات داخلی و خارجی می‌شود؛ در نتیجه، مدیریت امنیت ملی را با مشکل مواجه می‌سازد (سنجابی، ۱۳۷۸: ۹۳). ایران به طور طبیعی، تکثر قومی دارد و از کشورهای بسیار ناهمگن در خاورمیانه به حساب می‌آید (عزتی، ۱۳۸۹: ۱۳). تنوع فرهنگی و قومی از ویژگی‌های جامعه ایران است (نواح، ۱۳۸۹: ۴۸)؛ به‌طوری‌که از نقطه‌نظر ناهمگنی زبانی در شمار ۱۰ کشور نخست دنیا و اولین کشور از این نظر در جهان اسلام است (کریمی‌پور، ۱۳۸۸: ۱۷). به این دلیل، باید درصدد شناسایی دقیق و طبقه‌بندی پتانسیل‌های مثبت و منفی این ژنوم بود.

#### ۴-۲. قدرت نرم و مرکزیت فرهنگی

قدرت نرم به قابلیت‌ها و منابع هر کشور، مانند فرهنگ و آرمان یا ارزش‌های اخلاقی اطلاق می‌شود که به صورت غیرمستقیم بر منافع یا رفتارهای دیگر کشورها اثر می‌گذارد (هرسیچ، ۱۳۸۸: ۲۲۶). قدرت نرم، توجه به اشغال فضای ذهنی شهروندان دیگر جوامع، از طریق ایجاد اقناع است و هدف آن در درجه نخست، افکار عمومی خارج از کشور است. قدرت نرم هر کشوری در ابتدا، از سه منبع سرچشمه می‌گیرد: فرهنگ (بخش‌هایی که برای دیگران جذاب است). ارزش‌های سیاسی (زمانی که منطبق با افکار عمومی داخل و خارج باشد). سیاست خارجی



(زمانی که مشروع و اخلاقی تلقی شوند). برخی راهکارهای عملی دست‌یابی به قدرت نرم، در ایران، چنین‌اند: پیوندهای قومی و مذهبی و زبانی با کشورهای هم‌جوار، شبکه‌های خبری و رسانه‌ای، ظرفیت زیاد توریست‌پذیری، قرابت مذهبی با ۱۵ کشور در منطقه ژئوپلیتیک خاورمیانه، به عنوان مهد تشیع و مرکزیت جهان شیعه، آمار بالای تولیدات علمی و وجود نخبگان علمی زیاد در کشورهای غربی، هویت فراملی و فرامرزی زبان فارسی. به‌طور کلی، ایران بیشترین میزان کاربرد قدرت نرم‌افزاری را در منطقه ژئوپلیتیک اوراسیای مرکزی به میزان ۷۶/۲۸ درصد دارد (حقی‌پناه، ۱۳۸۸: ۲۶۲). از آن میان، ژنوم ایدئولوژیک در پایه شیعه‌گرایی (ژئوپلیتیک شیعه) جایگاه ویژه‌ای دارد.

ایران پایگاه اصلی تشیع در منطقه خاورمیانه است. بعد از حمله آمریکا به عراق، قدرت معنویت و نقش مذهب شیعه در تحولات مذهبی خاورمیانه مشخص‌تر شده؛ زیرا جغرافیای شیعیان بر روابط قدرت در منطقه و جهان تأثیر گذاشته است. خصوصاً در سواحل خلیج فارس و در حوزه‌های نفتی پراکنده شده‌اند و بالغ بر ۷۰ درصد جمعیت سواحل خلیج فارس را تشکیل می‌دهند. این عامل بر اهمیت ژئوپلیتیک مذهب شیعه می‌افزاید (قصاب‌زاده، ۱۳۹۱: ۳۲۹). اصل یازدهم قانون اساسی کنونی، نشان از ماهیت فرامرزی و مبتنی بر مرزهای عقیدتی و نه جغرافیایی دارد. آنجاکه دولت جمهوری اسلامی را موظف کرده که سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۱).

### ۳-۴. ژنوم پیشینه تاریخی و فرهنگی

پیشینه دولت در فضای جغرافیایی فلات ایران به اوایل قرن هشتم پیش از میلاد باز می‌گردد. شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و امنیتی باعث شد که اقوام ایرانی متحد شوند و نخستین دولت فراگیر را با نام «دولت ماد» و به مرکزیت هگمتانه تشکیل دهند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۷). منظومه فرهنگی ایران، محصول چند هزارساله ملتی کهن و برابری تعامل جمعی گروه‌های قومی است که هویت فرهنگی ایران را شکل بخشیده‌اند و هر یک به سهم خود بر آن لایه‌هایی گوناگون با مؤلفه‌های مثبت و منفی افزوده‌اند. درنهایت، در این هویت کلان فرهنگی مستحیل و خود بخشی از

آن شده‌اند. در واقع، هویت فرهنگی ایران چتر فراگیری است که در عین حال، همه اقوام و گروه‌های قومی را در خویش جای داده است. از ویژگی‌های تاریخی ایران می‌توان به تنوعات فرهنگی و اجتماعی اشاره کرد که با این وجود همه گروه‌ها در اغلب ادوار تاریخی، با همدیگر همزیستی مسالمت‌آمیز داشته‌اند و هویت ایرانی‌بودن آنان را در صف متحدی قرار داده است. به تعبیری، ایرانیان مردمی هستند که با ما تفاوت فاحشی دارند، آنان از پیوند نژادهای مختلف به وجود آمده‌اند؛ ولی هویت خود را نگه داشته‌اند. این قوم اندیشه‌ها و منافع خود را به هم پیوسته و همانند یک تنه، به هم تنیده‌اند. به نحوی که هریک از آن تاروپود می‌تواند کشیده و دراز شود، بدون آنکه به هم گره بخورند (ترابی، ۱۳۸۸: ۱۱۷). این موضوع، سبب پیدایش ژنوم ژئوکالچر در ایران زمین شده است. فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از باورها، بینش‌ها، پیش‌فرض‌ها، علایق و رفتارهای هر ملت است که به امور سیاسی، نظیر حکومت، قدرت، رابطه ملت و حکومت، روابط خارجی، امنیت و نظایر آن‌هاست (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۹۳). حافظ‌نیا ویژگی‌های فرهنگ سیاسی را بدین صورت دسته‌بندی می‌کند: احساس غرور تاریخی و فرهنگی، بیگانه‌ستیزی، توهم توطئه، باور تمرکز قدرت در رأس حکومت، اصالت یافتن مناسبات شخصی در امور عمومی، مطلوبیت مشاغل سیاسی، ضعف مشارکت مردم در امور عمومی، مهرورزی و عطوفت و آزادگی نفس (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۱۹۳).

#### ۴-۴. موقعیت نسبی و محوریت در نظریه‌های ژئوپلیتیک

بر اساس نظریه مکیندر، شمال ایران جزو ناحیه محوری هارتلند و دیگر قسمت‌ها جزو هلال داخلی (حاشیه‌ای) است (زین‌العابدین، ۱۳۸۹: ۵۲). بر اساس نظریه اسپایکمن، ایران در محدوده سرزمین حاشیه یا ریملند قرار دارد. این منطقه، امکان ترکیب قدرت بری و بحری را بهتر فراهم می‌کند. از طرف دیگر، بیشترین منابع نیروی انسانی و سهولت ارتباط در این بخش از جهان وجود دارد (عزتی، ۱۳۸۸: ۱۴). بر اساس نظریه برژینسکی، امریکا منطقه خلیج فارس را بعد از اروپا و امریکا، سومین خط دفاعی استراتژیک خود می‌داند؛ بنابراین، کنترل مناطق و نقاط استراتژیک، به‌ویژه تنگه هرمز، اهمیت ویژه‌ای دارد. مهم‌ترین مبانی اهمیت و

موقعیت استراتژیک و ژئوپلیتیک خلیج فارس ذخایر عظیم نفت و گاز است. حدود ۶۶ درصد ذخایر شناخته شده نفت جهان در این منطقه قرار دارد و حدود ۶۰ درصد نفت جهان از تولیدات نفتی هشت کشور نفتی خلیج فارس تأمین می شود (نامی، ۱۳۹۱: ۱۴).

جدول شماره ۱. زنوم‌های ژئوپلیتیک و تأثیر دوجانبه آنها در سیاست‌های منطقه‌ای و داخلی کشور افغانستان

آثار و پیامدها	کدهای ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر روابط کشورها با افغانستان	زنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی افغانستان
تداوم بی‌ثباتی، بروز فقر، بیکاری و توسعه نیافتگی و قاچاق مواد مخدر	میدل شدن به عرصه رقابت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای	ضعف حکومت و بی‌ثباتی سیاسی موجود در افغانستان
تسلط فضای استراتژیک امنیت محور بر مرزها، تقویت کارکرد دفاعی مرزها، تشدید تحرکات الحاق گرایانه	شکل‌گیری ژئوپلیتیک قومیت و بروز حرکت‌های گریز از مرکز و اگرایانه	ماهیت تحمیلی مرزهای افغانستان بخصوص در جنوب و شرق آن کشور
بروز جنگ‌های داخلی و حضور کشورها و بازیگران فرامنطقه‌ای، تداوم بی‌ثباتی سیاسی	نفوذ سیاسی و نظامی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در افغانستان	موقعیت نسبی (نقش حائلی افغانستان)
عدم وقوع هم‌گرایی داخلی و ملی، تشدید منازعات قومی و مذهبی	تأثیرگذاری بر اساس ژئوپلیتیک قومیت	قومیت‌ها
اهرم فشار علیه ایران	گروگان سیاسی افغانستان در راستای دیکته ژئوپلیتیک	هیدروپلیتیک هیرمند و دیپلماسی آب
متأثر شدن از سیاست‌های منطقه‌ای ایران و افغانستان، ضعف اقتصاد و تجارت خارجی	وابستگی شدید به ایران و پاکستان به منظور دسترسی به آب‌های آزاد	محصور بودن افغانستان در خشکی
شکل‌گیری تجارت غیرقانونی، بی‌ثباتی سیاسی در راستای افزایش تولید و لغو محدودیت‌های تولید، فساد اقتصادی	نفوذ بازیگران غیررسمی، باندهای مافیایی، نگرانی مجامع فراملی و جهانی از افزایش تولید	ژئوپلیتیک مواد مخدر
شکل‌گیری تنش و اضطراب سیاسی	عدم تکامل اجتماع‌پذیری آنها، بروز بزه کاری	مهاجرین افغانی در کشورهای همسایه

## ۵. ژئوپلیتیک و سیاست خارجی

درک ژئوپلیتیک از سیاست خارجی کشورها نیازمند تحلیل واقع بینانه از فضای جغرافیایی پیرامون هر واحد سیاسی، در مقیاس عملکردی است. از این رو، ژئوپلیتیک می‌تواند به عنوان عرصه‌ای مطالعاتی راهبردهای سیاست خارجی کشورها را تعیین و اولویت‌های اساسی آن را مشخص کند. در تلقی بین‌المللی، از قدرت به عنوان موتور محرکه نظام بین‌الملل و هدف اصلی رفتار دولت‌ها برای کسب منافع و رفع تهدیدها یاد می‌شود. از آنجاکه مهم‌ترین خصیصه قدرت پویایی

است، این ویژگی باعث می‌شود تا جایگاه کشورها در سلسله‌مراتب قدرت، در نظام بین‌الملل پیوسته تغییر پیدا کند. حقیقت آن است که هدف نهایی ژئوپلیتیک از تشریح ساختار نظام روابط بازیگران و چهارچوب‌های جغرافیایی قدرت ارائه این دید به سیاست‌گذاران است که منابع قدرت حاصل برآیند چه عناصری هستند و چگونه بر شکل‌گیری سیستم ژئوپلیتیک جهانی و روابط قدرت در سطح کروی و منطقه‌ای و نیز مناسبات بین‌المللی تأثیر می‌گذارند (قالیباغ، ۱۳۸۷: ۵۵). ژئوپلیتیک برای دستیابی به سیاست خارجی اثربخش و کارآمد بر شناسایی محدودیت‌ها و امکانات به‌وجودآمده از وضعیت و موقعیت‌های درحال‌تحول منطقه‌ای و جهانی تأکید دارد. هر دولتی در فضای جغرافیایی خاص، منافع خاصی دارد که آنها را در عرصه بین‌المللی پیگیری می‌کند. به عبارت دیگر، هیچ کشوری نمی‌تواند محتوا و جهت‌گیری و حتی اهداف سیاست خارجی خود را مستقل از ماتریس ژئوپلیتیک خود طراحی و هدایت کند.

#### ۱-۵. سیاست خارجی ایران

ژئوپلیتیک در روند گسترش‌طلبی قدرت‌های بزرگ در قرن ۱۹ و ۲۰ و درگیرکردن ایران در «بازی بزرگی» که بازیگران آن قدرت‌های جهانی بودند، نقش مؤثری ایفا کرده است (اطاعت، ۱۳۷۳: ۴). در این مشی، سیاست خارجی ایران، حالت عکس‌العمل انفعالی به تحولات بیرونی دارد و مقهور بازیگران اصلی نظام بین‌المللی شده است (اطاعت، ۱۳۷۳: ۵). ایران در طول سده اخیر، دو نوع رویکرد را در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی خویش برگزیده است: الگوبودن و ملی‌نگری و نگرش جهان‌نگری. در حالت اول، دغدغه نخبگان و حاکمان، ساختن یک ایران الگو و اثربخش در منطقه یا جهان بوده است و به روابط بین‌الملل و سیاست خارجی ایران، از منظر الگوبودن ایران برای خارج از ایران می‌نگریستند. در رویکرد دوم، دغدغه نخبگان و حاکمان ایران، ساخت ایرانی جهانی بوده است. ایران باید کانون جهان اسلام شود و بیداری اسلامی را رهبری کرده و قدرت‌های بین‌المللی را سر جای خود بنشانند (رضایی، ۱۳۸۳: ۲۵).

## ۲-۵. سیاست خارجی افغانستان

افغانستان سرزمینی محصور در خشکی و حائل مکمل جغرافیایی راهبردی همسایگانش است و اصولاً کشوری که چنین موقعیتی داشته باشد به ناچار بخشی از راهبردهای نظامی به‌شمار می‌رود (صفوی، ۱۳۸۹: ۶). از گذشته تا به حال، جاذبه‌های ژئوپلیتیک افغانستان توجه ابرقدرت‌ها را به همراه داشته و در غالب دیکته‌های ژئوپلیتیک و سیاست خارجی افغانستان را تحت‌تأثیر قرار داده است. از آنجایی که دولت‌ها از نظر توان مادی، امکانات اقتصادی و تدبیر ساماندهی، وضعیت مشابهی دارند. طبعاً روابط خارجی آنها در گذشته، بر معیار استعمار، استثمار، نزاع و ستیزه‌جویی مداوم و نیز امروزه، بر اساس مداخلات بشردوستانه، هم‌گرایی‌هایی منطقه‌ای و همکاری‌های رقابت‌جویانه شکل می‌گیرد. رقابت‌های اقتصادی و تجاری و مستعمراتی روسیه و بریتانیا در ایران و افغانستان، در گذشته، مداخلات همسایگان افغانستان و حضور نیروهای امریکایی و ناتو در این کشور را می‌توان به عنوان مثال‌هایی قلمداد کرد که سیاست خارجی افغانستان را تحت‌تأثیر خود قرار داده است.

سیاست خارجی حوزه‌ای از تعاملات سیاسی است که از ژئوپلیتیک متأثر می‌شود (سجادپور، ۱۳۸۳: ۱۲۵). از منظر ژئوپلیتیک، افغانستان مرکز کانونی آسیا، موقعیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک بسیار بااهمیتی دارد. بنابراین، این کشور به رزمگاه قدرتمندان دنیا بدل شده است. همین وضع ژئوپلیتیک موجب شد در سال ۱۲۹۷، به دنبال شکست افغانستان از انگلیس، سیاست خارجی این کشور به اختیار ابرقدرت انگلیس درآید و در سال ۱۳۵۸، به اشغال شوروی درآید و افغانستان باتلاقی شود برای نیروهای اشغالگر (حکمت‌نیا، ۱۳۸۳: ۹۹). امروزه، به‌وسیله نیروهای ناتو به سرکردگی امریکا تصرف و اشغال شود. افغانستان پس از فروپاشی شوروی، همچنان موقعیت مرکزی خود را حفظ کرد و حتی بر اهمیت استراتژیک آن افزوده شد. این کشور، در منطقه حساس آسیای مرکزی قرار گرفته است. ازسویی، به شبه‌قاره هند، از سوی دیگر، به آسیای مرکزی و چین و از سمت دیگر، به آسیای غربی مرتبط است. این کشور هم‌اکنون در حال کسب موقعیت جدیدی است. این موقعیت ناشی از استقلال سرزمین‌ها و جمهوری‌های آسیای مرکزی

است. این کشورها برای ورود و صدور کالا از طریق آب‌های گرم جنوب، به افغانستان به عنوان راه عبور احتیاج دارند و سرانجام اینکه دخالت عوامل متعدد و متعارض در پیدایش طالبان و بنیادگرایی‌های آن‌ها، بیش از ۱۰ کشور مؤثر منطقه را رویاروی هم قرار داده و در این صورت، دقیقاً می‌توان افغانستان و آسیای مرکزی را «هارتلند ایدئولوژیک جهان» نام نهاد (حکمت‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۰۳). شاید بتوان گفت مناسب‌ترین مصادیق، عوامل ثابت (موقعیت جغرافیایی، وضع توپوگرافی، شبکه آب‌ها، ناهمواری‌ها و شکل کشور) و متغیر (جمعیت، منابع، بافت سیاسی و اجتماعی و ویژگی‌های نظام بین‌الملل) که بر ژئوپلیتیک مؤثر است، درباره کشور افغانستان صدق می‌کنند (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۰۱).

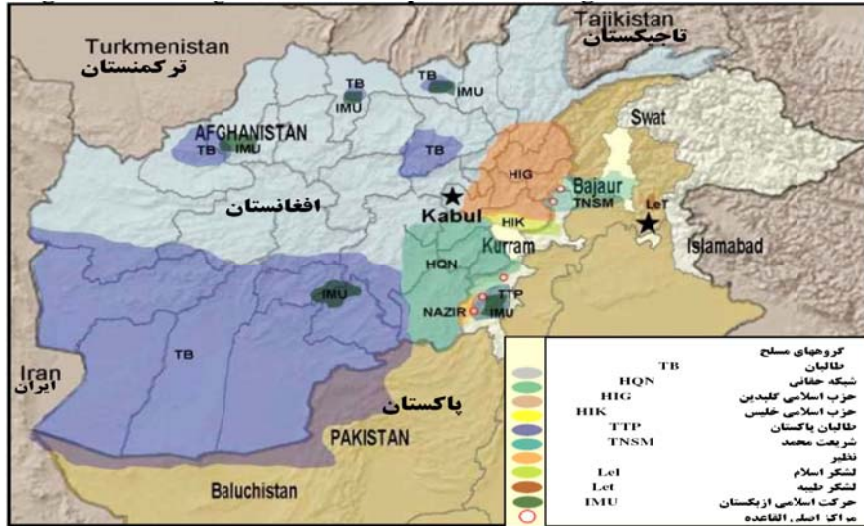
### نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد با توجه به جایگاه ویژه افغانستان در نظریه‌های ژئوپلیتیک هارتلند، قدرت دریایی ماهان، بیضی استراتژیک انرژی جفیری کمپ و موقعیت ژئواستراتژیک و حائلی افغانستان، بازیگران و قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای زیادی نظیر چین، پاکستان، هند، روسیه، ایران و آمریکا این کشور را به‌عرصه تقابل استراتژیک و تقابل سیاست خارجی خود مبدل کرده است. از طرف دیگر، نبود ثبات سیاسی موجود در افغانستان و بی‌ثباتی و پایداری حکومت‌ها، مانع از شکل‌گیری سیاست خارجی مدون و هم‌راستا با موقعیت ژئوپلیتیک افغانستان شده است. به سبب ارتباطات ریشه‌دار فرهنگی، ایران نقش مهمی در سیاست خارجی افغانستان دارد. افزون بر این، ایران از بزرگ‌ترین طرف‌های تجاری افغانستان است. در این مقاله، کوشش شده تا با استفاده از تحلیل کدها و ژنوم ژئوپلیتیک، مدلی نظری برای بررسی و نمایش نحوه تأثیرگذاری این مؤلفه‌ها بر سیاست خارجی کشورهای ایران و افغانستان ارائه شود. یافته اصلی مقاله، بدین شرح است که کشورهای ایران و افغانستان هر یک ژنوم‌های ژئوپلیتیک منحصر به فردی دارند که این ژنوم‌ها برای کشور رقیب به‌مثابه کد ژئوپلیتیک محسوب می‌شوند و در سیاست خارجی تأثیرگذاری بسزایی دارد. بر این اساس، مدل زیر برای تبیین چگونگی تأثیر کدها و ژنوم‌ها در سیاست خارجی ایران و افغانستان ارائه می‌شود.

در صورت استفاده از موقیعت و وزن ژئوپلیتیک در سیاست‌گذاری‌های ایران در عرصه سیاست خارجی توانایی تغییر و تعیین افغانستان به‌وسیله ایران وجود دارد.



نقشه شماره ۱. ژنوم بی‌ثباتی سیاسی و پراکندگی فضایی گروه‌های مسلح در افغانستان

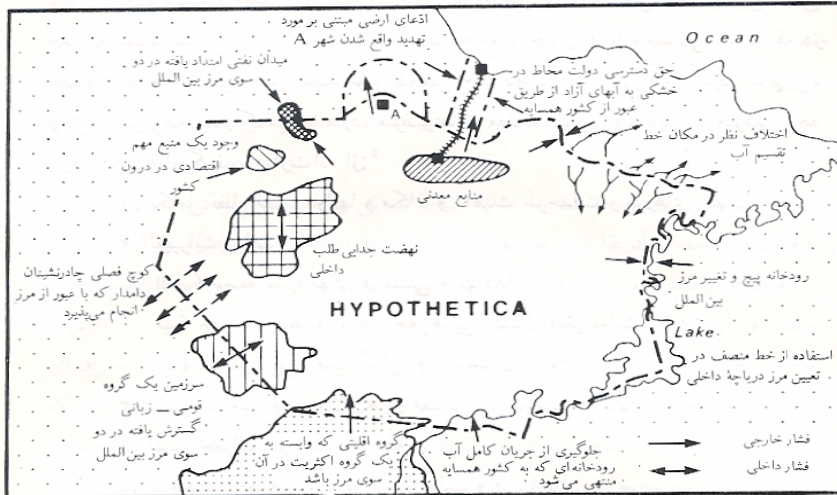


(زرقانی، ۱۳۹۰)

پیتر هاگت جغرافیدان برجسته انگلیسی سرچشمه‌های جغرافیایی بحران در روابط بین‌المللی را در قالب مدل تصویری بیان می‌کند. او در مدل نظری خود عوامل مختلفی را باعث بروز تنش و بحران در روابط کشورها می‌داند (هاگت، ۱۳۷۵: ۳۷۲). عوامل مزبور عبارتند از: مسیر ترانزیتی کشور محصور در خشکی، تغییر خط تقسیم آب در مرز، تغییر مسیر رودخانه مرزی، خط منصف دریاچه مرزی، کنترل سرچشمه رودخانه، گروه اقلیت خارج از کشور، گروه اقلیت مستقر در مرز مشترک، کوچ‌نشینان، جدایی طلبی اقلیت‌های داخلی، ذخایر و مکان دارای کارکرد بین‌المللی، پتانسیل تهدید در حاشیه ماورای مرز نظیر مجاورت پایتخت با مرز مشترک، منابع معدنی اعم از استراتژیک و انرژی (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۲۷).



نقشه شماره ۲. مدل پیتهاگت



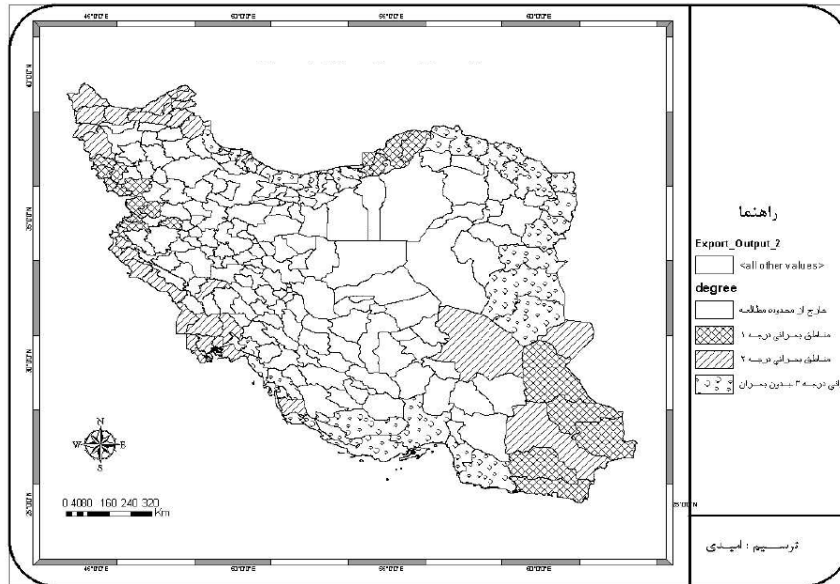
جدول شماره ۲. فرصت‌های ایران در مرزهای هم‌جوار با افغانستان

ردیف	فرصت‌ها
۱	شکوفایی قابلیت ترانزیتی استان سیستان و بلوچستان به دلیل هم‌جواری با کشور افغانستان و موقعیت دسترسی به آبهای آزاد به‌منظور فقرزدایی از این استان و گسترش ارتباط با افغانستان
۲	تقویت نقش ترانزیتی ایران و افغانستان به عنوان پل مشترک ارتباطی کشورهای آسیای مرکزی با آب‌های آزاد با برتری ایران
۳	امکان استفاده از قابلیت وجود ۳۰۰ کیلومتر نوار ساحلی و نزدیکی مناطق ساحلی استان سیستان و بلوچستان با کشورهای جنوبی خلیج فارس و دریای عمان و ارتباط سریع با هند و کشورهای آفریقا بی برای توسعه فعالیت‌های بازرگانی بندری و گردشگری و وابستگی ژئوپلیتیک کامل افغانستان به این موقعیت
۴	شرایط ممتاز ایران برای تصدی نقش در بازرگانی ملی و ترانزیت خارجی میان اروپا و آسیای مرکزی با آسیای شرقی و جنوبی و شاخ آفریقا و امکان ایجاد و توسعه مبادلات قانونی در زمینه برق و گاز
۵	بندر چابهار به عنوان تنها بندر اقیانوسی ایران برای تبادلات بین کشورهای حوزه خلیج فارس و آسیای مرکزی و افغانستان
۶	انتقال گاز طبیعی از منطقه عسلویه به افغانستان
۸	امکان اتصال خط آهن از زابل و سرخس و دیگر شهرها به افغانستان
۹	وجود فضاهای طبیعی بدیع دریایی و تاریخی برای توسعه صنعت توریسم
۱۰	وجود مرقد مطهر امام رضا (ع) در ایران و جذب توریست‌های مذهبی

جدول شماره ۳. تهدیدات هم‌جواری افغانستان با ایران

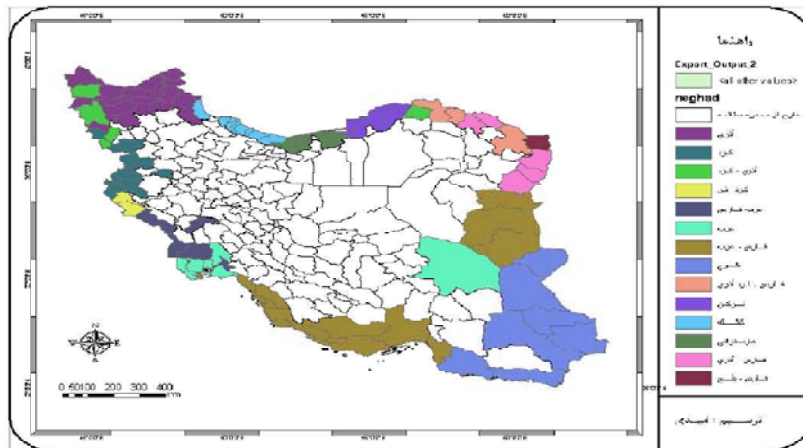
ردیف	تهدیدات با منشأ خارجی و داخلی
۱	مجاورت با محور قاچاق مواد مخدر و کالا (مرزهای پاکستان و افغانستان)
۲	سرمایه‌گذاری عظیم دیگر کشورها در زمینه اقتصادی و کمک بلاعوض به افغانستان و حضور نظامی امریکا
۳	نبود ارتباطات بانکی و مالی و پولی مناسب با کشورهای هم‌جوار (افغانستان و پاکستان)
۴	توجه صرف به بازارهای کشورهای همسایه و عدم حضور کشور مقابل در بازارچه‌های منتهی به مرز
۵	کم‌بودن بهداشت در مناطق مجاور مرزهای خارجی ایران و انتقال انواع بیماری‌ها به داخل مرزهای کشور
۶	تنش‌های سیاسی در کشورهای واقع در مسیر کریدور شمال یا جنوب ( آسیای مرکزی و پاکستان) و در نظر گرفته شدن مسیرهای جایگزین
۷	ترددهای مرزی و مبادلات میان اقوام و طوایف استان سیستان و بلوچستان با کشورهای همسایه (به خصوص افغانستان) و مشکل شدن اعمال حاکمیت و کنترل نواحی مرزی
۸	تأثیرگذاری ساکنان کشورهای عقب‌افتاده پاکستان و افغانستان بر فرهنگ ساکنان مناطق مرزی ایران به دلیل وجود ارتباط میان آن‌ها
۹	بروز اختلاف و برخورد میان کشورهای منطقه و بروز ناآرامی‌های سیاسی (افغانستان و پاکستان و هند)
۱۰	ترانزیت مواد مخدر از پاکستان و افغانستان با استفاده از موقعیت به عنوان گذرگاه بین‌المللی مواد مخدر و زمینه‌سازی ناامنی و تردد‌های غیرمجاز از مرزهای شرقی ایران و ممانعت از برقراری امنیت و انباشت سرمایه در گسترش فعالیت‌های رسمی اقتصادی
۱۱	وجود گروه‌های تروریستی و معاند با حمایت امریکا و تردد آنها به افغانستان و استفاده از خلا قدرت در آن کشور
۱۲	تعصبات شدید مذهبی با گرایش وهابی از طریق حمایت عربستان سعودی در ابعاد اقتصادی و نشأت گرفته از افغانستان و گروه طالبان
۱۳	پراکندگی قوم بلوچ در سه کشور ایران و پاکستان و افغانستان و اشتراکات قومی و زبانی و مذهب
۱۴	احیای قدرت فرقه‌های طالبان، القاعده، سپاه صحابه و وهابیان افراطی با همراهی و موافقت کشورهای اشغالگر افغانستان
۱۵	حضور قدرت‌های مداخله‌گر مخالف ایران در افغانستان و پاکستان به دلیل عدم حضور به‌موقع و مناسب ایران در خلا قدرت ایجاد شده و احتمال پیوستن افغانستان و پاکستان به پیمان نظامی امریکا محور ناتو و تکمیل حلقه محاصره فیزیکی ایران
۱۶	وجود نرخ بیکاری بالا و حضور تعداد زیاد نیروی کار خارجی (افغانی) در ایران و تشدید اقدامات ضدامنیتی (جاسوسی) در صورت بروز بحران
۱۷	تغییر هویت در بعضی مناطق استان خراسان رضوی (گلشهر) و سیستان به دلیل حضور فراوان اتباع خارجی مخصوصاً افغان‌ها
۱۸	افزایش شدید هزینه‌های بهداشتی و درمانی به دلیل ارائه خدمات به اتباع خارجی در خراسان رضوی و کرمان و سیستان و بلوچستان
۱۹	تنوع جریان‌های سیاسی و مذهبی و فرهنگی؛ عدم اعمال کنترل بر این جریانات؛ منازعات و تعارضات ناشی از آن و واگرایی اجتماعی ناشی از آن
۲۰	اختلاف سطح توسعه نواحی مرزی کشورهای منطقه (افغانستان و ترکمنستان و ایران)
۲۱	نبود ارتباط ریلی از مرز با داخل کشور و کشور افغانستان
۲۲	وابستگی هیدروپلیتیک ایران به آب رودهای هیرمند و هریرود
۲۳	وابستگی دومین قطب جمعیتی کشور (مشهد) به آب رودخانه هریرود با سرچشمه گرفتن از افغانستان
۲۴	استقرار صنایع استراتژیک، مانند پتروشیمی سرخس در نقطه صفر مرزی در هم‌جواری با افغانستان بی‌ثبات

نقشه شماره ۳. هم‌جواری مناطق بحرانی درجه ۱ و ۲ ایران با افغانستان



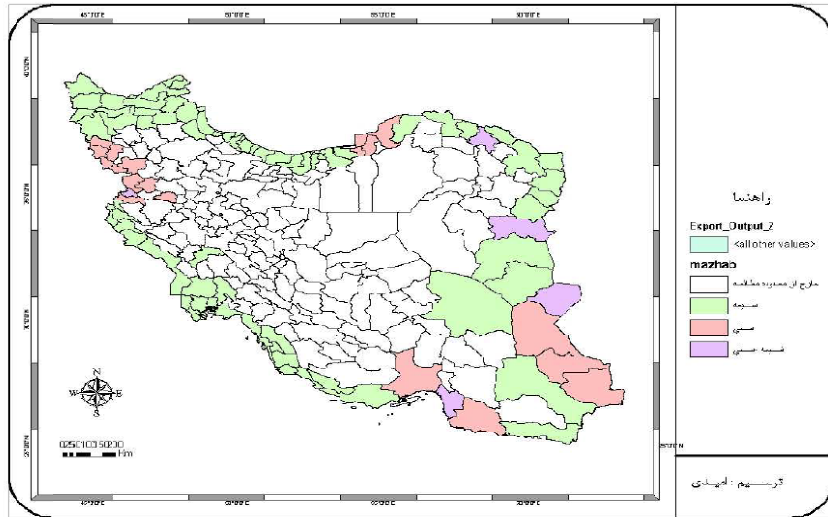
(پیشگاهی فرد و امیدی آوج، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۲)

نقشه شماره ۴. نقشه پراکندگی قومیت‌ها در ایران



(پیشگاهی فرد و امیدی آوج، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۲)

نقشه شماره ۵. پراکندگی مذهبی در ایران



(پیشگاهی فرد و امیدی آوج، ۱۳۸۸: ۵۳-۵۲)

جدول شماره ۴. ژنوم تعدد همسایگان ایران

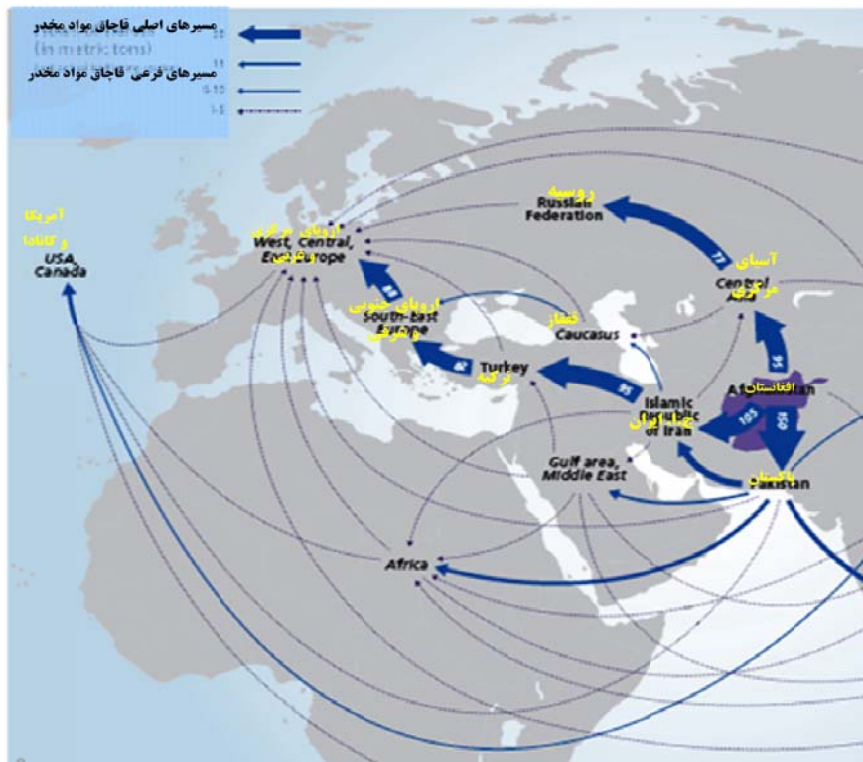
ردیف	کشورهای همسایه	طول تقریبی مرز مشترک با ساحل ایران (کیلومتر)					ملاحظات	
		خشکی	رودخانه‌ای	دریایی	جمع	تعداد رودخانه		
۱	پاکستان	۷۲۱	۲۵۷	؟	۹۷۸	۳	توضیحات	
۲	افغانستان	۷۰۹	۲۳۶	۶۵۷	۹۲۵	۳	تعداد دریاچه مرز	
۳	ترکمنستان	۷۹۸	۴۰۷			۳	تعداد دریاچه مرز	
۴	قزاقستان							
۵	روسیه							
۶	جمهوری آذربایجان	۱۷۵	۵۸۴					تعداد دریاچه مرز
۷	ارمنستان		۴۸		۴۸	۱	تعداد دریاچه مرز	
۸	ترکیه	۴۷۶	۲۵		۵۱۱	۲	تعداد دریاچه مرز	
۹	عراق	۱۲۵۸	۳۵۱	؟	۱۶۰۹	۱۲	تعداد دریاچه مرز	
۱۰	کویت						تعداد دریاچه مرز	
۱۱	عربستان				۲۰۴۳		تعداد دریاچه مرز	
۱۲	بحرین				۲۰۴۳		تعداد دریاچه مرز	

پیوند کد و ژنوم  
ژئوپلیتیک در  
سیاست خارجی  
(مطالعه موردی  
افغانستان و  
ایران)

ردیف	کشورهای همسایه	طول تقریبی مرز مشترک با ساحل ایران (کیلومتر)					ملاحظات	
		خشکی	رودخانه‌ای	دریایی	جمع	تعداد رودخانه	تعداد دریاچه مرز	توضیحات
۱۳	قطر							
۱۴	امارات متحده عربی							
۱۵	عمان							
جمع کل	۱۵ کشور	۴۱۳۷	۱۹۱۸					

منبع ثانویه: جزوه درسی مرزهای ایران، سیدهادی زرقانی (دانشگاه فردوسی مشهد)

### نقشه شماره ۶. مسیرهای اصلی و فرعی قاچاق مواد مخدر



نقشه شماره ۷. گذرگاه مرزی و مرزهای قاچاق مواد مخدر

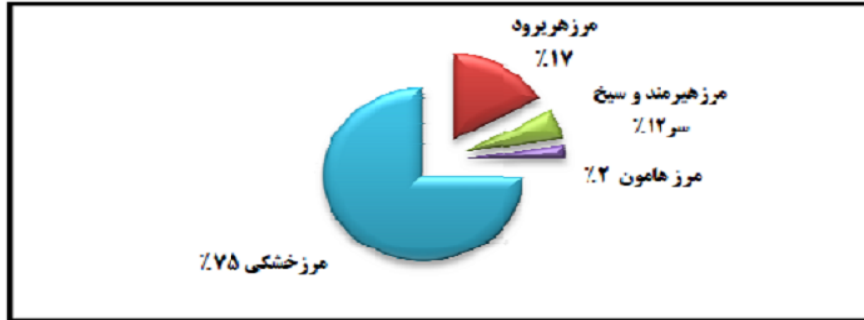


نقشه شماره ۸. بیضی استراتژیک انرژی و هم‌جواری افغانستان و حضور امریکا در کشور افغانستان



منبع: پایگاه‌های نظامی ایالات متحده امریکا در اطراف بیضی انرژی استراتژیک (هارتلند انرژی)  
<http://younewreality.blogspot.com/2007-04-01-archive.html>

نقشه شماره ۹. طول و نوع مرزهای ایران و افغانستان



بدیعی، ۱۳۹۰: ۱۹۸

جدول شماره ۵. سیر تکوینی روابط سیاسی دو کشور ایران و افغانستان پیرامون مسئله هیرمند

دوره زمانی	توافق‌های دو کشور سر هیرمند	سال (ه. ش)	پیامدهای ناشی از توافقات
دوره اول (۱۳۰۴ - ۱۳۳۴ م) (۱۸۵۱ - ۱۹۳۵ م)	عهدنامه پاریس	۱۲۳۶	تعهد دو کشور برای داوی مکان مرز از سوی انگلستان
	حکمت گلداسمیت	۱۲۵۰	تعیین مرز در شاخه اصلی هیرمند (پربان مرزی) و بی‌توجهی به نظام حقوقی رودخانه
	حکمت مک‌ماهون	۱۲۸۲	تأیید مرز قبلی با وجود تغییر مسیر رودخانه و کاهش یافتن سهم آبی ایران از ۶۳ درصد به ۳۳ درصد، با آگاهی داشتن از نیاز آبی ایران که عملکردی خلاف واقعیت طبیعی و تنها برای حفظ منافع بریتانیا بوده است.
دوره دوم (۱۳۳۵ - ۱۳۸۱ م) (۱۹۳۵ - ۱۴۰۴ م)	عهدنامه مودت	۱۳۰۰	ایجاد روابط دوستانه و فصل جدید در روابط سیاسی دو کشور بعد از استقلال سیاسی افغانستان.
	عهدنامه ودادیه و تأمینیه	۱۳۰۶	تحکیم روابط دو کشور و توجه رضاخان به حل مسائل مرزی.
	-	۱۳۱۰	نخستین مذاکره مستقیم و پذیرش تصفیه آب و توافق نداشتن بر سر مکان تقسیم آب.
	عقد قرارداد موقت	۱۳۱۵	بر اثر تراکم کم‌آبی تیرماه سال ۱۳۱۵ در اثر ساخت بند خشک از سوی افغان‌ها و تخریب آن از سوی کشاورزان سیستانی، تکوین قراردادی برای تقسیم نصف‌به‌نصف آب هیرمند از بند کمال‌خان تا بند خشک به مدت یک سال و تمدید آن رد سال ۱۳۱۶ در پیمان سعدآباد
	تشکیل کمیسیون بی‌طرف	۱۳۲۷	در نتیجه خشکسالی ۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ به پیشنهاد آمریکا و تعیین حق آبه ایران به طور متوسط ۲۲ مترمکعب در ثانیه، تضعیف موضع ایران در برابر حقوق آب هیرمند.
	معاهده تقسیم آب	۱۳۵۱	افزایش ۴ مترمکعب بر ۲۲ مترمکعب مقرر کمیسیون بی‌طرف و تصویب آن از مجلس دو کشور، اما کودتای افغانستان مانع از مبادله اسناد شد.
	-	۱۳۵۷	رخداد انقلاب اسلامی و حمله شوروی به افغانستان و فراموشی

پیامدهای ناشی از توافقاتها	سال (هـ ش)	توافقاتهای دو کشور سر هیرمند	دوره زمانی
طرحهای مشترک و کنترل نکردن آب هیرمند از سوی افغانها.			
به قدرت رسیدن طالبان، خشکسالی هولناک و دیدگاههای متضاد دو کشور و زمینۀ فراهم شدن قطع کامل آب هیرمند از سوی افغانها.	۱۳۷۵	—	
حکومت انتقالی افغانستان و تأکید دو کشور بر اجرای معاهده ۱۳۵۱.	۱۳۸۰	—	
گفته‌های متناقض از سوی مقامات دو کشور و در عین حال انجام همکاری‌ها بدون قابلیت اجرایی	۱۳۸۴	—	

(بدیعی، ۱۳۹۰: ۲۰۶)



## کتابنامه

- احمدی، سیدعباس؛ پارسایی، اسماعیل (۱۳۸۴). جایگاه ایران در نظریه‌های ژئوپلیتیک، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران.
- احمدی، عباس؛ حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۹). «موانع و شیوه‌های بازدارنده تجدید حیات شیعه در جهان»، شیعه‌شناسی، سال هشتم، شماره ۳۰.
- احمدیان، محمدعلی (۱۳۸۸). «ویژگی‌های جغرافیایی کشورهای اسلامی»، چاپ چهارم، مشهد: سخن‌گستر.
- اخباری، محمد؛ نامی، محمدحسن (۱۳۸۸). «جغرافیای مرز با تأکید بر مرزهای ایران»، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- اخباری، محمد؛ ایازی، سید محمدحسین (۱۳۸۶). «وضعیت خاورمیانه در ساختار ژئوپلیتیک هزاره سوم»، ژئوپلیتیک، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۶.
- اطاعت، جواد (۱۳۷۳). «ژئوپلیتیک و جهت‌گیری سیاست خارجی ایران نسبت به قطب‌های قدرت جهانی در قرن بیستم»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد در رشته علوم سیاسی، استاد راهنما، سید حسین سیف‌زاده، دانشگاه تهران.
- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴). خاورمیانه؛ منطقه‌ای امنیتی‌شده، مطالعات خاورمیانه، سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۸۴.
- بای، یارمحمد (۱۳۸۴). هیدروپلیتیک رودهای مرزی، تهران: موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
- بدرام، احمد (۱۳۹۰). «چالش‌ها و بحران‌های ژئوپلیتیک جنوب شرقی ایران»، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیای سیاسی، استاد راهنما دکتر هادی اعظمی، دانشگاه فردوسی مشهد، تابستان ۱۳۹۰.
- بدیعی‌ارنداهی و همکاران (۱۳۹۰). «نقش تغییرات مورفولوژی رودخانه مرزی هیرمند در روابط سیاسی ایران و افغانستان»، پژوهش‌های جغرافیایی انسانی، شماره ۷۸، زمستان ۱۳۹۰.
- برزگر، کیهان (۱۳۸۸). «منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران»، مطالعات اوراسیای مرکزی، سال دوم، شماره ۵، زمستان ۱۳۸۸.
- بشیریه، حسین (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ نوزدهم، تهران: نی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین (۱۳۷۶). «اهمیت ژئوپلیتیک شرق و شمال شرق ایران»، تحقیقات

- جغرافیایی، شماره ۴۴، بهار ۱۳۷۶.
- \_\_\_\_\_ پاپلی یزدی، محمدحسین؛ وثوقی، فاطمه (۱۳۹۰). *نگاهی به دیپلماسی آب ایران* - هیدروژئوپلیتیک، مشهد: پاپلی.
- پورمهرانی، مهرا (۱۳۸۹). *چالش‌های ژئوپلیتیک ایران در مرزهای پیرامونی*، تهران: نوآور.
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ امیدی آوج، مریم (۱۳۸۸). «ارتباط بین پراکندگی اقوام ایرانی و امنیت مرزها»، *ژئوپلیتیک*، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- ترابی، یوسف (۱۳۸۸). «سیاست‌های جمهوری اسلامی در مدیریت تنوعات اجتماعی»، *دانش سیاسی*، سال پنجم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۸۸.
- گودهند، جانانان (۱۳۸۴). «افغانستان و اقتصاد تریاک»، مترجم: سیروان نویدیان، *چشم‌انداز ایران*، شهریور و مهر ۱۳۸۴.
- حاتمی‌راد، منصور (۱۳۸۵). «موقعیت ژئوپلیتیک ایران»، پیام، شماره ۸۱، زمستان ۱۳۸۵.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی ایران*، تهران: سمت.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۳). «تحلیل کارکرد مرز بین‌المللی (مرز ایران و افغانستان)»، *مدرس علوم/انسانی*، دوره ۸، شماره ۴، زمستان ۱۳۸۳.
- \_\_\_\_\_ و کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۸۳). *افق‌های جدید در جغرافیای سیاسی*، سمت: تهران.
- \_\_\_\_\_ و محمدباقر قالیباف (۱۳۸۰). «راهبرد توزیع فضایی قدرت سیاسی در ایران از طریق توسعه نهادهای محلی»، *تحقیقات جغرافیایی*، شماره پیاپی ۶۱، تابستان ۱۳۸۰.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: پاپلی.
- حق‌پناه، جعفر (۱۳۹۰). «هویت، قومیت و سیاست خارجی در خاورمیانه»، *سیاست*، دوره ۴۱، شماره ۱، بهار ۱۳۹۰.
- \_\_\_\_\_ حق‌پناه، جعفر و رحیمی، محمد (۱۳۹۰). *ژئوپلیتیک افغانستان و تحولات منطقه‌ای غرب آسیا*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- حکمت‌نیا، حسن (۱۳۸۳). «افغانستان هارتلند آسیا»، *بیک‌نور*، شماره ۵، بهار ۱۳۸۳.
- حیدری، جهانگیر (۱۳۹۱). «راهبرد تبدیل مرزهای تهدید استراتژیک به مرزهای امن»، *مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران*، جلد اول، رشت: دانشگاه آزاد واحد رشت.
- خجسته‌نیا، حسین (۱۳۸۹). «ایران به افغانستان، ارتباط ریلی؛ درآمدی بر سازوکار حمل‌ونقل چندوجهی برای همکاری منطقه‌ای»، *روابط خارجی*، بهار ۱۳۸۹.
- خلیلی، محسن (۱۳۹۰). *مفهوم قلمرو در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: مرز جغرافیایی/بی‌مرزی عقیدتی*، راهبرد، شماره ۵۸، سال بیستم، بهار ۱۳۹۰.
- \_\_\_\_\_ «بن‌مایه دگرگون‌شونده ژنوم ژئوپلیتیک در خاورمیانه عربی»، *مجموعه مقالات همایش اسلام و تحولات خاورمیانه*، تهران: سوم اسفند ۱۳۹۰.
- دهشیار، حسین (۱۳۹۰). «سیاست‌های سه‌گانه یکپارچگی و بحران افغانستان»، *روابط خارجی*، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰.

رضایی، محسن (۱۳۸۳). «ایران محور هژمونیک و قدرت برتر منطقه آسیای جنوب غربی»، مجموعه مقالات نخستین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، تهران.

زرقانی، سیدهادی (۱۳۸۶). *مقدمه‌ای بر شناخت مرزهای بین‌المللی*، تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.

زین‌العابدین، یوسف (۱۳۸۹). *ژئوپلیتیک، ایده و کاربرد*. رشت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.

سجادپور، کاظم (۱۳۸۳). «ژئوپلیتیک و سیاست خارجی ایران: تداوم و تغییر»، مجموعه مقالات نخستین کنگره علمی انجمن ژئوپلیتیک ایران، اردیبهشت ۱۳۸۳.

صفوی، سید یحیی؛ شیخانی، عبدالمهدی (۱۳۸۹). «اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت ایالات متحده آمریکا در تهاجم نظامی به افغانستان»، *جغرافیای انسانی*، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹.

عبدی، عطاءالله، حسین مختاری (۱۳۸۴). *نگاهی به فرصت‌ها و تهدیدهای هیدروپلیتیک ایران، مجموعه مقالات دومین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران: جایگاه ایران در نظام ژئوپلیتیک قرن ۲۱*، تهران: انجمن ژئوپلیتیک ایران.

عباسی، ابراهیم؛ رنجبردار، مجید (۱۳۹۰). «کمک‌های مالی ایران به افغانستان اهداف و آثار اقتصادی آن»، *روابط خارجی*، سال سوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۰.

فولر، گراهام (۱۳۷۳). *قبله عالم: ژئوپلیتیک ایران*، مترجم: عباس مخبر، تهران: مرکز. قالیباف، محمدباقر و سید موسی پورموسوی (۱۳۸۷). «ژئوپلیتیک و سیاست خارجی»، پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۶، زمستان ۱۳۸۷.

قصاب‌زاده، مجید (۱۳۹۱). «جایگاه ژئواکونومی ایران در منطقه خاورمیانه بزرگ»، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، جلد دوم، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی.

قوام، عبدالعلی (۱۳۸۷). *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، چاپ چهاردهم، تهران: سمت.

کویانی‌راد، مراد (۱۳۸۹). *ناحیه‌گرایی در ایران از منظر جغرافیای سیاسی*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

کرانی، بهجت و محمدحسین حافظیان (۱۳۸۱). «جهانی‌شدن و تحلیل سیاست خارجی در خاورمیانه: کشتن یا درمان کردن؟»، *مطالعات خاورمیانه*، سال نهم، شماره ۳.

کریمی‌پور، یدالله (۱۳۷۹). *مقدمه‌ای بر ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)*. تهران: تربیت معلم.

گل‌وردی، عیسی (۱۳۸۹). «مرزها، آسیب‌ها و کارکردها»، *ره‌نامه سیاست‌گذاری سیاسی دفاعی و امنیتی*، سال اول، شماره دوم.

لطفی، امین (۱۳۹۰). «بررسی شیوه‌ها و سیاست‌های کنترل مرز، نمونه مورد مطالعه مرزهای شرقی ایران (خراسان رضوی و افغانستان)»، *پایان‌نامه کارشناسی ارشد از دانشگاه فردوسی مشهد*، استاد راهنما، سیدهادی زرقانی، تابستان ۱۳۹۰.

لهسایی‌زاده، عبدالعلی و دیگران (۱۳۸۹). «امنیت پایدار و سازگاری مهاجران افغانی در ایران»، مجموعه مقالات اولین همایش مهاجرت و نظم و امنیت، جلد دوم، مشهد: اسفندماه ۱۳۸۹.

مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۷). «مرزهای شرق»، گفت‌وگو، شماره ۲۱.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران: سمت.

\_\_\_\_\_ (۱۳۸۹). *سیاست‌های مرزی و مرزهای بین‌المللی ایران*، مترجم: حمیدرضا ملک‌محمدی، تهران: سمت.

محمدی، حمیدرضا؛ غنچی، محمد (۱۳۸۵). «چالش‌های ژئوپلیتیک مواد مخدر در جنوب غرب آسیا (با تأکید بر ایران، پاکستان و افغانستان)»، ژئوپلیتیک، سال دوم، شماره ۱، پیاپی ۳. معیدفر، سعید و عبدالوهاب شهلی‌پر (۱۳۸۶). «جهانی‌شدن و شکل‌گیری سیاست فرهنگی محلی: مصرف رسانه‌ای بلوچ‌های ایران و چالش‌های هویت قومی و هویت ملی»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، سال ۱۵، شماره ۵۷-۵۶.

موسوی، رسول (۱۳۸۸). ریشه‌یابی بحران در افغانستان؛ مسئله مرزهای جنوبی، روابط خارجی، سال اول، شماره چهارم، زمستان ۱۳۸۸.

ملکوتیان، مصطفی (۱۳۸۳). «مقدمه‌ای بر جغرافیای سیاسی و اهمیت استراتژیک ایران»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳، بهار ۱۳۸۳.

میرحیدر، دره (۱۳۸۴). *مبانی جغرافیای سیاسی*، چاپ هشتم، تهران: سمت.

نامی، محمدحسن؛ احمدی دهکاء، فریبرز (۱۳۹۱). «بررسی چالش‌های حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و تنگه هرمز»، مجموعه مقالات پنجمین کنگره انجمن ژئوپلیتیک ایران، جلد دوم، رشت: دانشگاه آزاد.

هرسیج، حسین؛ تویسرکانی، مجتبی؛ جعفری، لیلا (۱۳۸۸). «ژئوپلیتیک قدرت نرم ایران»، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۲، بهار ۱۳۸۸.

هاگت، پیتر (۱۳۷۵). *جغرافیای ترکیبی نو*، جلد ۲، مترجم: شاپور گودرزی، تهران: سمت.